

اولین رئیس دارالفنون ایران عزیز خان مَکری سردشتی (سردار کل)

عزیز خان

● دکتر نادر کریمیان سردشتی (استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)

اشاره

سردار کل، عزیزخان مَکری سردشتی، از یک خاندان کهن و نجیب دیار سردشت کردستان، یعنی خاندان مَکری، برخاسته بود که جدّ اعلای آنان، بنابر گزارش صاحب «حقایق الاخبار ناصری»، به شیخ حیدر مَکری منتهی می‌شود. عزیزخان در عصر دو پادشاه قاجار، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، بیش از ۴۰ سال دارای مشاغل و مناصب عمده و داماد امیرکبیر بود. وی اولین رئیس دارالفنون، البته بعد از سرپرستی کوتاه، حدود یک‌ونیم ماه میرزا محمد علی خان شیرازی که وزیر دول خارجه هم بود. به مدت حدود چهار سال مسئولیت مدرسه دارالفنون را بر عهده داشت. شخصیت عزیزخان مَکری نه تنها به‌عنوان فردی سیاسی و نظامی، بلکه به‌عنوان شخصیتی فرهنگی و اجتماعی نیز قابل بررسی و پژوهش است. وی ضمن گسترش نظام آموزشی جدید در ایران (به ویژه در عرصه نظامی) و اینکه اولین رئیس دارالفنون تهران بود، احداث ده‌ها اثر و سازه ماندنی چون بقعه، آرامگاه، کاروان‌سرا، مسجد، حمام و پل را نیز بنیان گذاشت. در این جستار، با اشاره‌ای به اوضاع سیاسی عصر عزیزخان مَکری، ضمن معرفی وی، گزارشی از دیدگاه‌های مشاهیر درباره شخصیت او به اختصار تقدیم می‌داریم.

مقدمه

از بدو تأسیس سلسله قاجار تا اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، عراق نیست اگر بگوییم که مردم ایران هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ جان، مال و ناموس خود در مقابل دستگاه استبدادی وقت نداشتند. شاه مملکت و فرزندان بی‌شمارش (که علی‌الرسم، حکام و استانداران مناطق مهم کشور بودند) و نیز امرای نیمه‌مستقل (فتودال‌های محلی، سرکردگان قشون، و رؤسای ایلات)، هر کاری که میل داشتند و هر بلایی که می‌خواستند، بر سر افراد این مملکت می‌آوردند؛ بی‌آنکه کسی قادر به جلوگیری یا بازخواست از اعمال آنان باشد. حتی روحانیت هم نفوذ سابق خود را که ملجایی برای ستمدیدگان بود، از دست داده بود. صدراعظم‌ها را علی‌الرسم پس از عزل شدن می‌کشتند و اموال و دارایی‌شان را ضبط

عزیزخان مَکری
هیچ‌گاه مثل بعضی
از رجال دوره قاجار
به سفارت روس و
انگلیس پناهنده نشد

می‌کردند. **میرزا ابراهیم‌خان اعتمادالدوله**، صدراعظم فتحعلی‌شاه را به محض سقوط از مسند قدرت کشتند و به روایتی در دیگ روغن جوشیده‌اش انداختند. **قائم‌مقام دوم**، صدراعظم **محمدشاه** را پس از عزل، با زه کمان خفه کردند. بزرگ‌ترین سیاست‌مدار این دوره، **میرزا تقی‌خان امیرکبیر**، صدراعظم ناصرالدین‌شاه را پس از عزل شدن از مقام صدارت، در حمام فین کاشان با آن طرز فجیع به قتل رساندند و اگر دست طمع به اموال و دارایی‌اش دراز نکردند، بیشتر به ملاحظه احترام همسرش **عزت‌الدوله** (خواهر تنی ناصرالدین‌شاه) بود. در چنین اوضاع و احوال نابسامانی، شخصیتی چون عزیزخان مَکری از دیار «سردشت» و «مکریان» ظهور کرد و پله‌های ترقی را تا فرماندهی کل قوای مملکت پیمود. اکنون باید دانست که او به سبب موقعیت‌های سیاسی و نظامی، چقدر دشمن برای خود فراهم کرد، و از سوی دیگر، با وجود شاهزادگان قاجار و اولیای امور، همچون صدراعظم‌ها و نیز کسانی چون **مهدعلیا** که به برادر و پسر شاه (عباس‌میرزا ملک‌آرا) رحم نمی‌کردند، چگونه عزیزخان از دست دشمنان جان سالم به در برد که این از عجایب تاریخ قاجار محسوب می‌شود. البته **عزیزخان مَکری** هیچ‌گاه مثل رجال دوره قاجار به سفارت روس و انگلیس پناهنده نشد و از ترس دشمنان، شخصیت خود را بازچه انگلیس و روس نکرد. به همین علت بود که عوامل روس و انگلیس همواره درباره عزیزخان بدگویی می‌کردند و حتی نزد ناصرالدین‌شاه به وی القاب ناشایست می‌دادند. البته ناصرالدین‌شاه و امیرکبیر (صدراعظم وقت) نیز از کفایت، درایت و لیاقت عزیزخان آگاه بودند و از وی در برابر این همه دشمن، از جمله **میرزا آقاخان نوری** و **فرهاد میرزا معتمدالدوله** حمایت می‌کردند. با این وصف، عزیزخان در برابر همه توطئه‌ها و دسیسه‌های سیاسی سربلند بود و به نظر می‌رسد شخصیت مستقل و ویژه‌ی وی، باعث این همه عزت و سربلندی شد.

شخصیت عزیزخان مَکری در دایره قضاوت‌های تاریخی

چون موضوع این پژوهش بررسی شخصیت اولین رئیس دارالفنون تهران، یعنی عزیزخان مَکری است، پیش از هر چیز شایسته است دیدگاه‌های مورخان دوره قاجار و دوره معاصر را درباره وی گزارش کنیم:

در آثار و منابع دوره ناصری و پس از آن، از اوصاف، اخلاق و سیرت **عزیزخان مَکری** سخن فراوان رفته است. از آنجا که می‌دانیم از **ناصرالدین‌شاه** تا نویسندگان بی‌طرف و مورخان آزاداندیش، همگی (جز اندکی) در فضایل **سردار کل** قلم‌ها را به جولان درآورده‌اند و به لیاقت و شایستگی‌های وی اعتراف و اذعان داشته‌اند. سیاست‌مداران آن روزگار، از سلطان تا وزرا، از خرد و دانش او در حیرت بودند و همگی به تدبیر و اندیشه کاملش اذعان داشتند. شخصیت‌هایی که با او ملاقات، انس و الفت، یا هم‌نشینی داشتند، خویشتن را کوچک‌تر از او یافته بودند و این خصیصه برای هیچ‌کدام جز دو شخصیت برجسته دوره قاجار، یعنی **عباس میرزا** و امیرکبیر اتفاق نیفتاده بود. تمامی لشکریان و کشوریان، وزرا و



↑ امیرکبیر در اوج قدرت (مأخذ: عظامی، ۱۳۷۷ش: ۱۵۸)

↓ عزیزخان مکری (سردار کل)

(اسناد تصویری و تاریخی عزیزخان مکری و خاندانش)



سلطان به بینش سیاسی، نظامی و علمی وی اقرار داشتند.
صادق سلطان القرایبی در این باره می‌گوید: «سردار کل مردی با کفایت و متواضع و بخشنده و زیرک و جوان بود. درس خوانده و خوش خط نیز بوده است» [سلطان القرایبی، ۱۳۵۶: ۵۸].

میرزا جعفر وقایع‌نگار خورموجی در کتاب «حقایق الاخبار ناصری» شخصیت عزیزخان مکری را چنین توصیف می‌کند: «در پیشکاری مملکت آذربایجان، بساط عدل و رأفت بگسترده و رسوم محدث و بدعت‌های مذموم را باطل گردانید و در ضبط مملکت شرط امانت و آثار صیانت و دقایق سیاست و لازمه حراست را ظاهر نمود. با عامه حسن مماشات ظاهر ساخته، خلعت او، خاص و عام بدون مضایقه و اعلام می‌پوشیدند و کأس عواطف و عوارف از وضع و شریف می‌نوشیدند، سرآمد صفات حمیده و اخلاق پسندیده او کوچک‌دلی و تواضع است نسبت به عموم مردمان، خصوص آشنایان قدیم. این شیوه مرضیه را به نوعی مرعی و مسلوک می‌دارد که هیچ‌یک از ارباب فتوت دعوی برابری با او به خاطر نمی‌آوردند» [وقایع‌نگار خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۹۷].

حاج میرزا احمد ایشیک آقاسی‌باشی، معروف به **امیر دیوان شیرازی** در «تذکره حدیقه الشعراء»، در باب عزیزخان چنین می‌گوید: «عزیزخان مکری اظهار فقر و درویشی می‌کرد و نسبت به میرزا نظرعلی حکیم‌باشی قزوینی اظهار ارادت می‌نمود.»

ادوارد ایستویک^۱، کاردار سفارت انگلیس که عزیزخان را به تاریخ ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۷۸، مطابق با ۱۸۶۲ میلادی در شهر تبریز ملاقات کرده بود، در کتاب خود «سه سال اقامت در ایران»^۲، او را این‌گونه وصف می‌کند: «سردار کل یکی از خدمتگزاران پیر و قدیمی ایران است. نامش عزیزخان است و به یکی از قبایل کُرد منتسب و مذهبش سُنی است. میرزا تقی‌خان، وزیر مشهور، به علت کفایت، او را سمت آجودان‌باشی داد و بعد سردار کل، یعنی فرمانده کل قوای شد. او در ایام جنگ ما [انگلیسی‌ها] با ایران همین سمت را داشت» [بامداد، ج ۲، ۱۳۴۷: ۳۳۴].

شناخت شخصیت عزیزخان مکرری

عزیزخان مکرری در تاریخ ایران جزو سیاست‌مدارانی بود که «در لباس فقر، کار اهل دولت می‌کنند». ستاره‌ای که با وجود انتقاداتی که به وی در خصوص حضور در دربار دو شاه قاجاری وارد کرده‌اند، اما در دولت جور و ظلم توانست خدماتی را به مملکت ارائه دهد که همچون امیرکبیر (پدر اصلاحات) ماندگار باشد. همو توانست کاری کند که شیرازهٔ ایران از هم نگسلد و نزد اهل حکمت و عرفان، و اهل دولت و حکومت ممدوح باشد. آرمان‌های وی بیشتر در جهت شیوهٔ صحیح مملکت‌داری، انتظام و انسجام ولایات ممالک محروسه، و خدمت به مام وطن بود؛ جهت پیشگیری از ظلم و ستم و جور ایل قاجار، و عمران و آبادانی، و امنیت و آسایش از برای مُلک و مِلّت. سیمای قدرتمند و شکوه و طمطراق وی به دشمنانش اجازه نفوذ نمی‌داد. اگر پژوهشگری بخواهد در تاریخ تاریک و سیاه قاجار ارزیابی دقیقی از شخصیت عزیزخان مکرری داشته باشد، بی‌گمان به نتایجی درخشان دست خواهد یافت. اینک به اختصار به ابعاد شخصیتی وی می‌پردازیم:

۱. عزیزخان هنرمند: عزیزخان یکی از خوش‌نویسان برجستهٔ دورهٔ قاجار به شمار می‌آید که مکاتبات وی و نمونه‌های برجای مانده از آثار مکتوبش، نشان از توان، تلاش و هنرنمایی این شخصیت دارد. وی خوش‌نویسی را در همان ایام جوانی در مکاتب و حوزه‌های علمی شهر «سردشت» فرا گرفت و تا پایان عمر از این هنر در جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود استفاده می‌کرد. مجموعه‌ای از اسناد تاریخی و مکاتبات وی نزد نگارنده (نادر کریمیان سردشتی) موجود است که در آینده چاپ و منتشر خواهد شد.

۲. عزیزخان شخصیتی نظامی و ارتشی: نظامی‌گری و روحیهٔ جنگاوری یکی از خصایص برجستهٔ عزیزخان مکرری بود. پس از آنکه با برادرش از سردشت به تبریز مهاجرت می‌کند (۱۲۵۲-۱۲۲۷ق)، در افواج نظامی به «مقام عزیزخان یاور» ارتقا می‌یابد. سپس درجات نظامی و ارتشی را از یآوری تا درجات «عزیزخان سرهنگ»، «عزیزخان آجودان‌باشی»، «عزیزخان سردارکُل» و «عزیزخان سردارکُل عساکر منصوره»، یکی پس از دیگری سپری می‌کند. در کتاب‌های تاریخی بیشتر به این وجه شخصیتی وی توجه شده و از سایر وجوه شخصیتی این بزرگ‌مرد غفلت شده است.

۳. عزیزخان شخصیت دانشگاهی: دارالفنون به‌عنوان نخستین دانشگاه و مرکز آموزش عالی جدید در ایران به سال ۱۲۶۸ق با همت امیرکبیر (پدرزن عزیزخان) تأسیس شد و عزیزخان مکرری به‌عنوان اولین رئیس دارالفنون برگزیده و منصوب شد که بیشتر به سبب کفایت و لیاقت و آشنایی وی با علوم نظامی بود. اعتمادالسلطنه در *مرآت‌البلدان* گوید: «و پوشیده نباشد که در افتتاح مدرسهٔ مبارکه [دارالفنون]، مرحوم عزیزخان سردارکُل به ریاست مدرسه برقرار و کفایت این امر مهم می‌نمود و *عبدالحسین خان ولد علیتقی خان آجودان* از جانب سردار کل نیابت داشت و جناب *مخبرالدوله آجودان* و



↑ عزیزخان مکرری سردار کل (عساکر منصوره دولت ایران)
(مآخذ: عظامی، ۱۳۷۷: ۱۲۵)



↑ سجع مهر عزیزخان با عنوان: «سردار کل عساکر منصوره»
با رقم ۱۲۶۹ق. (خاطرات دیوان بیگی: ۳۵۰)



↑ سجع مهر عزیزخان با عنوان: «عزیزخان سردار کل
عساکر منصوره». (خاطرات دیوان بیگی: ۳۴۶)

کتابدار مدرسه بودند و بعد از مرحوم عزیزخان، مرحوم محمدخان امیر تومان چندی این منصب جلیل را دارا بود» [اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳-۱۰۸۲].

۴. عزیزخان سیاستمدار و پیشکار آذربایجان:

عزیزخان به معنای واقعی اهل سیاست بود، زیرا مأموریت‌های وی در مقاطع گوناگون، از جمله دیدار با ولیعهد دولت روسیه (به‌عنوان نماینده ایران)، سرکوب فتنه بابیه، مدیریت پایتخت در غیاب شاه ایران، مأموریت به ولایات فارس و جنوب ایران، مذاکرات سیاسی با طرف افغانی در جنگ هرات، و از همه مهم‌تر، پیشکاری آذربایجان و تربیت ولیعهد مملکت در دارالسلطنه تبریز، او را به سیاستمداری باتجربه، پخته و بالنده تبدیل کرد که جمع این مسئولیت‌ها در یک نفر برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی و خارجی یک مملکت به وسعت ایران کفایت می‌کند.

۵. شخصیت عشیرتی عزیزخان: عزیزخان از خاندان

مُکری متعلق به منطقه سردشت و موکریان بود و از این نظر تعصب ویژه‌ای به ولایت خود داشت. به همین دلیل در سردشت، ساوجبلاغ و بوکان آثار عام‌المنفعه فراوانی را بنیاد نهاد. وی وطن خود را هیچ‌گاه فراموش نکرد، به همین دلیل پل‌ها، حمام‌ها، کاروان‌سراها، و مسجدها، و آثار و ابنیه زیادی به‌عنوان باقیات و الصالحات از خود برجای نهاد که برخی هنوز پابرجا هستند.

۶. عزیزخان شاعر: عزیزخان مُکری گاهی طبع‌آزمایی

می‌نمود و ذوق شعری را به جولان می‌انداخت. در اشعار «مُکری» تخلص می‌کرد و آن قدر سروده دارد که از جمع‌آوری آن‌ها می‌توان دفتری فراهم کرد. غزل: «تا ترا صورتگران تصویر قامت کرده‌اند» از وی مشهور است که در پایان آن عزیزخان می‌گوید:

عشق را پایان نباشد مُکریا خاموش باش

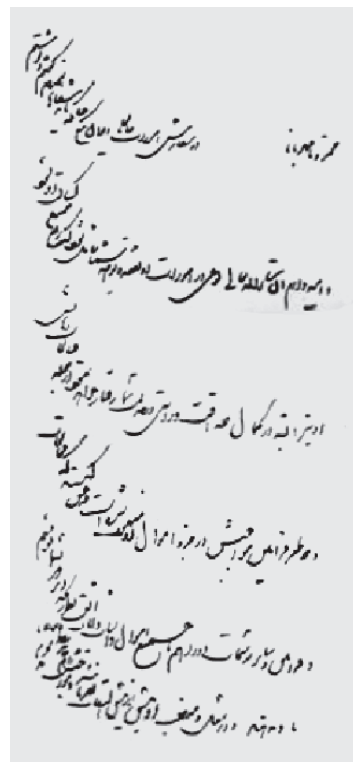
راویان در این حکایت بس روایت کرده‌اند

[روحانی، ج ۳، ۱۳۷۱: ۳۸۳].

ریاست عزیزخان مگری بر دارالفنون

تأسیس مدرسه دارالفنون تحول عمیقی در سرنوشت فرهنگی، نظامی و علمی جامعه ایران بر جای نهاد. فکر ایجاد و تأسیس دارالفنون در پایتخت ایران، برای امیرکبیر پس از مسافرت به روسیه و دیدن مدارس فنی و صنعتی و نظامی آنجا پیش آمده بود. البته ابتدا نظر او در تأسیس چنین مدرسه‌ای بیشتر به مدرسه‌های فنی، نظامی و صنعتی معطوف بود. از سوی دیگر، تأسیس دارالفنون در استانبول که به سال ۱۲۶۳ق افتتاح شد، تأثیر بسیار زیادی در اقدام به تأسیس دارالفنون تهران داشت [اروندی، ۱۳۸۳: ۱۰۴] و در واقع تقلیدی از دارالفنون عثمانی بود که امیرکبیر توجه خاصی نسبت به اداره و پیشرفت کارهای آن داشت؛ زیرا اثرات آن را به خوبی در جامعه عثمانی و به هنگام حضور خود در آن کشور دریافته بود. به همین دلیل، طرح آن را ضمن تدوین و تبیین در ایران به مرحله اجرا درآورد.

اجرای طرح تأسیس مدرسه دارالفنون که بیش از سه سال به طول انجامید، شاید بزرگ‌ترین کار ویژه عصر امیرکبیر بود که موجبات پایه‌گذاری نظام آموزشی و دانشگاهی نوین را فراهم آورد و از این‌روست که از امیرکبیر به‌عنوان بنیان‌گذار آموزش عالی ایران یاد می‌شود. دارالفنون در سال ۱۲۶۸ق افتتاح شد. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در مرآت‌البلدان در این‌باره می‌نویسد: «روز یکشنبه پنجم ماه ربیع‌الاول ۱۲۶۸، یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام، امرا و اعیان، و رجال دولت که برای تحصیل در مدرسه مبارکه دارالفنون منتخب شده بودند، به توسط میرزا محمدعلی‌خان، وزیر دول خارجه، شرف اندوز خاک پای مبارک شده، بعد از



نمونه‌ای از نامه‌های عزیزخان مگری به سردار کل - مهور به مهر مربع «عزیزخان سردار کل عساکر منصوره» (شماره ۴۴) (خاطرات دیوان بیگی: ۳۴۶)



عزیزخان مگری با دلاوران کرد مگریان (مگری، محمد)



فرخ‌خان امین الدوله - عزیزخان سردار کل



عزیزخان سردار کل با اسبی که شاه به او بخشیده بود

آن به مدرسه مبارکه آمده به میمنت، شروع به تحصیل کردند و در این روز دارالفنون افتتاح یافت و حسب‌الرسم تشریفات معمول به عمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد، مشق پیاده‌نظام توپخانه و مشق سوارنظام و هندسه و طب و جراحی و علم داروسازی و علم معدن بود و مقرر شد که هر دسته لباس مخصوص و مشخصی بپوشند که فقط از وضع لباس، شغل هر یک معلوم شود. و قرار دادند، مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز علوم جدید و انکشافات نافعۀ ملل که در چند قرن به زحمت و مشقت بی‌شمار معلوم شده بود، در این مملکت شروع به انتشار نمود» [اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲-۱۰۸۱].

ابتدا سرپرستی مدرسه، زیر نظر وزارت امور خارجه بود. به همین علت **محمدعلی‌خان شیرازی**، وزیر خارجه وقت، به‌عنوان نخستین مدیر آن انتخاب شد. وی در مدت کوتاهی تا زمان مرگش در همان سال ۱۲۶۸ق این سمت را بر عهده داشت. اما به‌طور رسمی، نخستین رئیس مدرسه دارالفنون را عزیزخان مکرری سردشتی و آجودان‌باشی کل نظام بر عهده گرفت و **عبدالحسین‌خان**، فرزند **علی‌تقی‌خان آجودان**، به‌عنوان جانشین وی انتخاب شد.

در این باره دکتر **قاسم غنی** می‌نویسد: «گشایش رسمی دارالفنون یکشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ است که امیرکبیر در فین کاشان دقایق تلخی را می‌گذرانید. ریاست مدرسه ابتدا با میرزا محمدعلی‌خان شیرازی، وزیر امور خارجه بود. ولی او در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۸ مرد و عزیزخان مکرری، آجودان‌باشی کل عساکر ایران مدیر مدرسه شد. **رضاقلی‌خان امیرالشعراء** معروف به **هدایت** هم به نظامت انتخاب شد. در سال ۱۲۷۲ق، شاهزاده **علی‌قلی** - **میرزا اعتضادالسلطنه**

رئیس شد و او پس از چندی ریاست را به رضاقلی‌خان هدایت سپرد. هدایت ۱۸ سال متوالی عهده‌دار این کار بود. بعد **نیرالملک** رئیس شد» [غنی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۷-۲۵۶].

هاشمیان در مقاله‌ای در خصوص «نخستین رئیس‌ان دارالفنون پس از عزیزخان مکرری» می‌نویسد: «... سپس میرزا محمدخان امیرتومان، علی‌قلی‌خان اعتضادالسلطنه، رضاقلی‌خان هدایت، علی‌قلی‌خان و جعفرقلی‌خان هدایت (نیرالملک) به ترتیب عهده‌دار ریاست مدرسه تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ق) بودند» [هاشمیان، ۱۳۸۵: ۱-۲۰۰].

در سال ۱۲۶۸ ق، عزیزخان آجودان‌باشی، به گفتهٔ اعتمادالسلطنه «... که در تعلیم و نظام و مشق افواج اهتمام نموده بود، به یک ثوب قبای نظامی زردوز از ملبس خاصه مخلع گردید» [اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۱۶].

نتیجه‌گیری

عزیزخان مکرری یکی از نمادهای تجدد و اصلاح‌گرایی در نظام آموزشی ایران محسوب می‌شود که کمتر به زوایای زندگانی وی پرداخته شده است. وی توانست در یک نظام فاسد دولتی در دوران قاجار، خدمات فراوانی به مملکت و ایرانیان ارائه دهد که بی‌سابقه محسوب می‌شود. خدمات وی از بُعد اجتماعی، سیاسی و نظامی و قومی قابل بررسی و پژوهش است. البته این خدمات نیز به ابعاد شخصیتی عزیزخان مکرری وابسته‌اند. خدمات سیاسی، فرهنگی و آموزشی او در روزگار محمدشاه قاجار و ناصرالدین‌شاه جایگاه اجتماعی وی را ارتقا بخشید، تا جایی که سردار کل عساکر منصورهٔ ایران شد و سپس در بیشتر حوادث و وقایع آن روزگار نقش سیاسی مثبتی را ایفا کرد. اگر خدمات مردانی همچون وی که یاران امیر بودند نبود، امیرکبیر در سامان‌دهی اصلاحات و خدمات‌رسانی و اجرای برنامه‌های خود قرین توفیق نمی‌شد. همهٔ این ویژگی‌ها عزیزخان را در بالاترین جایگاه سیاسی - اجتماعی آن دوران قرار می‌دهد که قابل تدبیر و تأمل مجدد است.

منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۲۶۷). مرآت‌البلدان (ج ۴-۱). به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. دانشگاه تهران.
۲. _____ (۱۳۶۲). المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران - ج ۱). به کوشش ایرج افشار. اساطیر. تهران.
۳. _____ (۱۳۴۸). المآثر و الآثار. چاپ تهران.
۴. _____ (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری (ج ۳-۱). تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. دنیای کتاب. تهران.
۵. _____ (۱۳۴۵). روزنامهٔ خاطرات. به کوشش ایرج افشار. امیرکبیر. تهران.
۶. افخمی، ابراهیم (۱۳۷۰). تاریخ و فرهنگ و ادب مکرران. انتشارات محمدی سقز. بوکان.
۷. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۲). میرزا تقی‌خان امیرکبیر. به کوشش ایرج افشار. انتشارات توس. تهران.
۸. _____ (۱۳۲۶). «عزیزخان سردار کل مکرری»، مجلهٔ یادگار. شماره ۱ و ۲
۹. امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی امین‌الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمایان. زیر نظر ایرج افشار. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۱۰. بابا مردوخ روحانی (۱۳۷۱) تاریخ مشاهیر کرد (امرا و خاندان‌ها، بخش سوم). به کوشش ماجد مردوخ روحانی. انتشارات سروش. تهران.
۱۱. بامداد، مهدی (۱۳۴۷). شرح حال رجال ایران (ج ۲). انتشارات زوار. تهران.
۱۲. راوندی، مرتضی (۱۳۸۳). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. انتشارات نگاه. تهران.
۱۳. سلطان‌القرایی، صادق (۱۳۵۶). کتاب شناخت القاب دوره ناصرالدین‌شاه. دنیای دانش. تهران. چاپ اول.
۱۴. شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۶). «نقد کتاب ایرانیان در میان انگلیسی‌ها» (بخش دوم). نشر دانش. سال ۷. شماره ۵.
۱۵. عظامی، مسعود (۱۳۷۷). امیرکبیر در آینهٔ انقلاب. سرآمد کاوش. تهران. چاپ اول.
۱۶. غفاری، محمدعلی (۱۳۶۱). خاطرات و اسناد محمدعلی غفاری (تاریخ غفاری). به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. نشر تاریخ ایران. تهران.
۱۷. غنی، قاسم (۱۳۷۷). یادداشت‌های دکتر قاسم غنی (ج ۶). به کوشش سیروس غنی. زوار. تهران.
۱۸. کاساکوفسکی، کلنل (۱۳۵۵). خاطرات کلنل کاساکوفسکی. ترجمهٔ عباس‌قلی جلی. کتاب‌های سیمرخ. تهران. چاپ دوم.
۱۹. کریمی‌ان سردشتی، نادر (۱۳۹۳). عزیزخان مکرری سردشتی (سردار کل). نشر پویان. تهران (آماده چاپ).
۲۰. مکرری، محمد (۱۳۶۱). فرهنگ نام‌های پرندگان (در لهجه‌های غرب ایران: لهجه‌های کردی). انتشارات امیرکبیر. تهران. چاپ سوم.
۲۱. نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی (باب سوم). به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان و حمید رام پیشه. نشر تاریخ ایران، تهران.
۲۲. وقایع‌نگار خورموجی، میرزاجعفر (۱۳۶۳). حقایق‌الآخبار ناصری. به کوشش حسین خدیوچم. نشر نی. تهران. چاپ دوم.